

تاریخ عضدی

شرح حال زنان و دختران و پسران

و مضمین سی و هشت سال سلطنت

و نوادر احوال فتحعلی شاه قاجار

تألیف شاخزاده احمد میرزا عضدالدوله



انتشارات خانه تاریخ و تصویر ایرانی

سرشناسه

: احمد میرزا قاجار، ۱۲۳۴ - ۱۳۱۹ ق

عنوان و نام پدیدار

: تاریخ عضدی / عضد الدوله.

مشخصات نشر

: تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری

: ۱۴۴ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۶-۳۲-۵

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

موضوع

: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

موضوع

: حر مرا

رده بندی کنگره

: ۱۳۸۹ ت ۲ ۳ الف / ۱۳۴۴ DSR

رده بندی دیویی

: ۹۵۵/۰۷۴

شماره کتابشناسی ملی

: ۲۲۰۷۳۰۲

www.ketab.ir

تاریخ عضدی

احمد میرزا قاجار

حرفین: مریم شامی

منو آرای: فید شور کشتی

بازخوانی: مریم طبردانی

لیکگرافی: فرآیند کویا

چاپخانه: شادنگ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۰۰ تومان

ناشر چاپ: سید علیرضا میرقادی

بیر تولید: محمد رضا ابریشمی

شابک: ۵-۳۲-۵۶۹۶-۶۰۰-۹۷۸

خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

آدرس انتشارات: سارحان، بازار سنتی فاز ۱ طبقه اول راهروی شرقی ساختمان آریا پلاک ۳۴۳

۴۴۲۱۳۷۹۳ - ۴۴۰۵۶۷۶۶

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس فزون از حیطة قیاس شایسته نثار بارگاه جلیل الشان خاقانی است که خوانین با عز و تمکین بر در که بی نیازش روی نیاز بر خاک مذلت نهد زهی توانا خالق یگانه که بی معاونت غیر و بیگانه به امری این همه خلق کرده که به عمری تجدیدش ندانند و تعدادش نتوانند فسبحان الله مالک الملک از ماء و طین سلاطین پدید آرد و از صلب سلاطین خواتین و از بطن خواتین خواقین، همچنین از هر دانه خوشه پدید آرد و از هر خوشه منی و از هر منی خرمی، در هر دانه هزار خرمین حکمتش پنهان است و از غنچه هزار گلشن، ابداعش عیان مشاطه قدرتش چهره عروسان چمن را به میت گلگونه و نمازه گلگون تازه سازد و قابله تربیتش بنات نیات را در مهد زمین پیرورد و به نواز بانوی خوبروی مهر را بر منظر عالی سپهر نشانیده و از دختران اخترزان بزم سماء را مزین گردانیده که «اناربت السماء الدنيا بزینت الکواکب» در معرفتش هر حجتی حجابیست و هر دلیلی نقابی، نورش برهان هر دلیل است و دردش درمان هر علیل، ای که عالم مظهر نور توست و آفرینش مرآت ظهور تو جز شکر تو گفتگو نشاید و آن هم که ز هیچکس نیاید نعماء تو را شمار که تواند که بر هر نعمتی شکری بخواند.

دفتر از گفته بشوئیم که خاموشی ما خوش زبانیت که غیر از تو کسش آگه نیست همان به که هر نفس صلوات و تحیات بلانهایات نثار روح کثیرالفتوح خواجه کاینا و فخر موجودات اعنی حضرت ختمی مرتبت و آل اطهار او سائیم که ما را از وادی بغی و ضلال رهانیدند و به قرب وصال رسانند.

سبب تألیف کتاب

چون جناب وخامت نصاب وزیر انتظامات و مدیر دارالترجمه خاصه و دارالتألیف که نام شریفش مطابق نام نامی و اسم سامی جد بزرگوارش محمد حسن شاه قاجار است و به لقب مرحوم والد ماجد خویش اعتمادالسلطنه ملقب و از تربیت و تشویق شاهنشاه کیوان خدم و اسکندر حشم وارث دیهیم جم مالک رقاب الامم السلطان ابن سلاطین و الخاقان ابن الخواقین.

ناصرالدین شاه غازي خسرو صاحبقران

خلدالله ملکه الا آخرالدوران از عتفوان شباب تا زمان شباب اوقات خود را مصروف نشر علوم و معارف نموده و در اغلب فنون و فضایل بر دانشوران اواخر و اوایل تقدم یافته خصوص در علم تواریخ و اطلاعات بر وقایع تمام کره ارض که خاطر آگاهش مطلع الشمس دانش و پیش و مرآت بلدان عالم آفرینش و تاریخ تنظیم ما تقدم و شارح سوانح عالم است بر حسب امر قدر قدر همایون روحنا فداه این فدوی در گاه آسمان پناه ابلاغ فرمود که از واقعات زمان سلطنت خاقان رضوان مکان طارب الله ثراه آنچه شنیده و دیده به عرض رساند اگرچه هنگام افول اختر سلطنت پدر تاجدار خود بیش از ده سال نداشتم لکن هرچه در آن زمان دیده و در نظر بود یا در مدت عمر خود از بزرگان قوم ذکوراً و انثاءً شنیده بودم در این مختصر تحریر نموده ارسال خدمت جناب عالی وزیر انطباعات داشتم که به مقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور حتی الامکن در آنجا فرمایش اقدام شده باشد و تاریخ شهر جمادی الاولی مطابق اواخر سنه ترکیه ایت ایل در زمان حکومت همدان بنگارش یافت امید که منظور نظر کماثر بندگان آستان ملایک یاسبان گردد.

آغاز حکایت زوجات خاقان مغفور

آسیه خانم

زوجات خاقان جنت مکان چند نمره بودند نمره اول از خانواده سلطنت سایر شعب قاجاریه و بزرگ زادگان معتبر ایران بودند که عدد آنها قریب چهل بلکه زیاده سبک خاقان مبرور با این طبقه حفظ احترام کامل بود حتی در حضور آنها با سایر طبقات ابداء التفات نمی شد روزی یک ساعت حق حضور داشتند مثل سلام های رسمی بزرگ حاضر می شدند قاجاریه یک سمت می ایستادند مابقی در صف دیگر به ترتیب شئونات پدران خود می ایستادند ایجاد این سلام از زمان خاقان شهید آقا محمد شاه و یاسای آن حضرت بود در موقع سلام یک نفر یساول زنانه درب اطاق های آنها به آواز بلند این عبارت ترکی می گفت (خانم لار گلیر) خانمها منتظر وقت و گوش به آواز یساول بودند و به سلام می آمدند دیگران در آن ساعت مطلقاً حق حضور و تشرف نداشتند به هر یک اظهار

مرحمت می فرمودند از بعضی تفقد احوال کسان آنها می شد اگر مطلبی داشتند عرض می کردند.

سر صف قاجاریه (آسیه خانم) مادر نایب السلطنه مرحوم خواهر امیر خان سردار بود که زن معقوده دائمه حضرت خاقانی بود دیگری بدرالنساء خانم دختر مصطفی خان عموی خاقان_ معقوده دیگر مادر ملک آرا خواهر مرحوم سلیمان خان اعتضادالدوله بود چهارم دختر شیخ علی خان زند مادر شیخ الملوک که چون از سلسله قاجار نبود در صف بزرگ زادگان جای داشت معروف است که حاجیه بدرن از حضور در این سلام اکراه داشت که زیر دست همشیره مرحوم امیر خان سردار بایستد و می گفت من قوالمو هستم زیر دست (دو لלו) نمی باید واقع شوم این منازعه و بعضی جهات دیگر بعدی رسید که حاجیه بدرن خانم بی اجازت از حرمخانه خاقانی به خانه پدر رفت و گویند مطلقه شد چون یکی از خواهرانش در خیاله علی نقی میرزای رکن الدوله بود او به طور قرزندی رسیدگی به کارهای صبیح مرحوم مصطفی خان می کردشان این نجیبه محترمه به درجه بود که زمان وفات پدرش به حضرت خاقانی عرض و پیغام داد که یکی از جیفه های سلطنتی را بدهید بر سر عماری عموی شاهنشاه یزنم حضرت خاقان از انجام مراد مضایقه فرمود بدرن خانم تمام حضور یافتگان را جواب کرده گفت تا جیفه خاقانی نیاید جنازه خانی از خانه بیرون نخواهد رفت و بالاخره به امر خاقان مغفور (آغا مکمل) که از خواجه سرایان زنان آقا محمد شاه بود جیفه زمرد مشهور به جیفه نادری را با نهایت احترام برده سر جنازه زدند با این همه احترام که از او منظور می شده بر آسیه خانم نتوانست مقدم بایستد زیرا که خاقان شهید رتبه والده و لبعهد مرحوم را به جانی رسانیده بود که در آن مقام گفتگوی (یوخاری باش) و (آشاقه باش) ممکن نبود بدرن خانم هم بسیار غیور و با خشونت بود به همین جهت فراق اختیار کرد یا طلاق گرفت وضع این سلام از زمان خاقان شهید تا وفات مهدعلیای بزرگ مادر حضرت خاقانی خیلی منظم بود بعد از آن رفته رفته بعضی از آن زوجات محترمات و بزرگ متفرق شدند مادرهای شیخ الملوک و ملک آرا نزد پسرهای خود رفتند مادر نایب السلطنه وفات یافت بزرگ زادگان و دیگر پدرانشان از